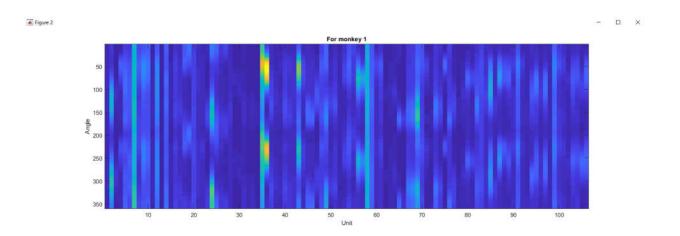
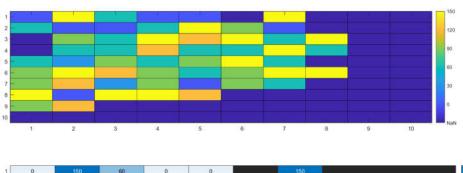
سوال اول و دوم: میمون اول



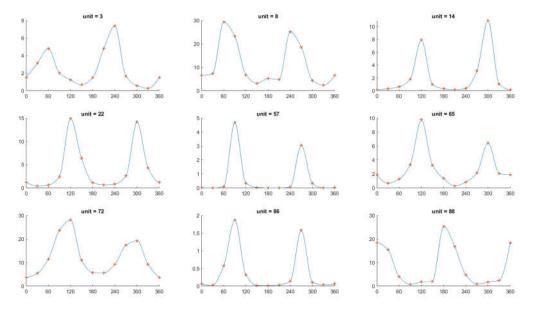
■ Heatmap For Monkey 1



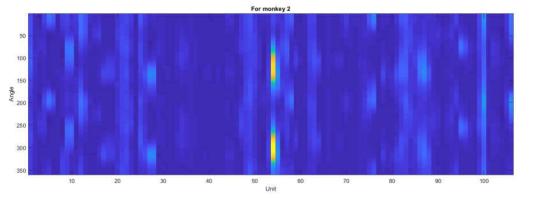
0	150	60	0	0		150				
60	0	0	60	150	90	0				
	90	60				60	150			
	60	60		60	60		60			
60	30	90	60	90		60				
90	150		90	60	90					
90	120	30	90	0	90	60				
	0									
90	120									-
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	

ميمون دوم

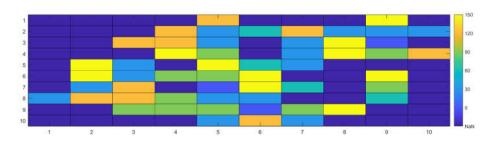




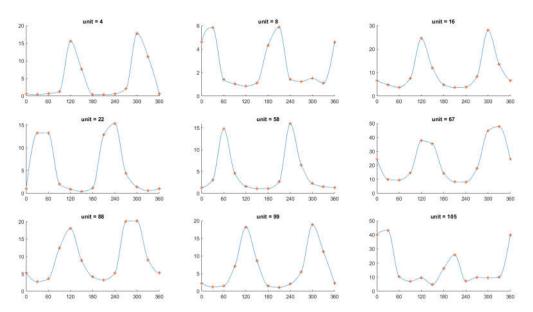
— □ X

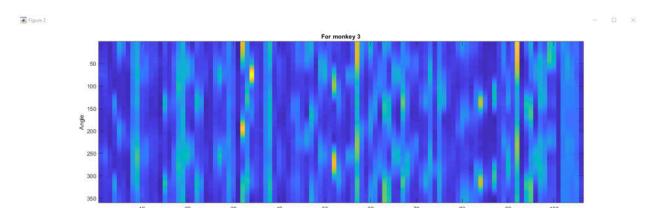


■ Heatmap For Monkey: 2

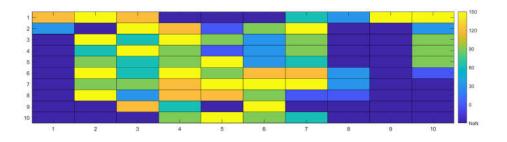


										1
			120	30	60	120	30	30	30	
				30		30	150	0		,
				90		30	150	90	120	
	150	30			60	30				
		30	90	90						
	30			0		60		90		
30	120		90	30	30			60		
		90	90	90	0	90				Ш,
				30		30				
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	





● Headmap For Monkey: 3

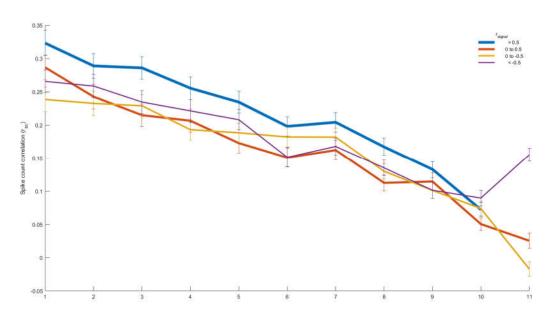


						60	30	150		18
30				0	90				30	
		60		90	30	90			90	10
	60		90	0	30	90			90	
	90	60	90		30	60			90	
		60		90			30		0	.50
	90	90					30			
		30			90	0	0			
			60							ه اسا
			90	150	90	60				N
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	

سوال سوم:

صرفا برای **میمون سوم** رسم شده است.

- □ ×



سوال چهارم:

در حقیقت این سوال میپرسد که هنگامی کورولیشن کم شود زمانی که هنوز تحریک هست. آیا میتوان نتیجه گرفت که نویز زمینه صرفا حاصل همسایگی است؟

پاسخ به این سوال این است که تقریبا بله میتوان این نتیجه را گرفت. وقتی تحریکی نباشه، دلیل و علتی وجود ندارد که با نظم خاصی فعالیت کنه و هنگامی که تحریک وارد میشود مجبور میشود فعالیت منظم داشته باشد. زمانی که تحریکی نیست تابع تاثیرات محیطی میشود که بر آن وارد میشود و عمده دلیل آن خواهد بود. البته عامل دیگر نیز وجود خواهد داشت ولی تاثیرشان کمرنگ خواهد بود.

سوال پنجم:

پاسخ در حالت ایدهآل مثبت است اما چون داده ها ایدهآل نیستند میتوان نورونهایی را یافت که از هم دوز میباشند ولی میزان کورولیشن آن ها مانند کورولیشن نورون نزدیکی هاست. این موضوع از قسمت سوم قابل برداشت خواهد بود.